روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

چهارشنبه ۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۴۸۵

تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین

■ حضرت امیر المؤمنین علی ع:
کسی که از مردم جدا شود، به خدای سبحان انس و الفت گیرد.

■ اذان ظهر: ۱۳:۰۲ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۴۷
■ اذان مغرب: ۲۰:۰۷ ■ نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۶
■ اذان صبح: ۴:۴۴ ■ طلوع آفتاب: ۶:۱۶

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیرمسئول: عبدالله گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه تورج، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

توزیع و اشتراک:
موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

سازمان آگهی‌ها و نیازمندی‌ها:
■ خیابان قائم‌مقام فراهانی، میدان شعاع، خیابان شهید خدری شماره ۲۹ - طبقه اول ■ تلفن: ۸۴۳۲۱۷۰۰-۸۸۸۶۱۸۱۹

صفحه آخر

به تیغم گر کشد دستش نگیرم
وگر تیرم زند منت پذیرم
حافظ

گرینویچ

دانشجوی دکتری در ۱۳سالگی

مینه‌سوتا: یک پسر نوجوان ۱۳ساله امسال مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه مینه‌سوتا دریافت کرده و در مقطع دکترا مشغول تحصیل خواهد شد. براساس گزارش ای‌بی‌سی نیوز، این نوجوان که الیوت تانر نام دارد، دوره کارشناسی‌اش را در رشته ریاضی -فیزیک گذرانده و اکنون دارای معدل بسیار خوب ۳,۷۸ از این دانشگاه معتبر در آمریکاست. تانر می گوید: «شوقی باورنکردنی به فیزیک دارم. همیشه از مهم‌ترین کارهای مورد علاقه‌ام بوده که می خواستم انجام دهم.» قصه این فیزیکدان کوچک را حتی مشاهیر دنیای سرگرمی هم شنیده‌اند: بازیگران مجموعه تلویزیونی «شلدون جوان» که محصول جانبی (spin-off) مجموعه طنز «تئوری بیگ‌بنگ» بوده است، نیز به مناسبت نقش اول این مجموعه -یک فیزیکدان نظری جوان -از نزدیک با الیوت تانر آشنا شده‌اند. ایان آرمیتیج که نقش «شلدون جوان» را دارد، با الیوت - که به‌نوعی همزاد او در دنیای واقعی محسوب می‌شود، یکدیگر را ملاقات کرده‌اند و الیوت از مخاطبان و طرفداران این مجموعه است.

حراج کتاب قافیه‌ها

لندن: در زمانه‌ای که اصولا زنان را در حلقه‌های ادبی و علمی راه نمی‌دادند، ۳خواهر همگی در ادبیات، صاحب جایگاهی قابل توجه شدند و حالا کتاب مینیاتوری یکی از آنها به قیمت یک میلیون و ۲۵۰هزار دلار فروخته شده است. خواهران برونته در ادبیات جهان شهرت دارند و کتابی که زیر چکش حراج رفت و رکوردهایی را جابه‌جا کرد، کتاب مینیاتوری «شارلوت برونته» با نام «کتاب قافیه‌ها» بود. به گزارش دیلی‌میل، این دست‌نوشته‌های مینیاتوری شامل ۱۰شعر است که شارلوت برونته آنها را در سال ۱۸۲۹ میلادی و هنگامی که ۱۳سال داشت، سروده بود. انجمن ادبی بریتانیایی که این کتاب را خریده اعلام کرد که آن را به موزه اختصاص داده شده به شارلوت برونته در بریتانیا اهدا خواهد کرد. موزه برونته در روستای هاورث، منطقه‌ای که نویسنده در آنجا بزرگ شده است قرار دارد.

کشف عنکبوت بزن در رو

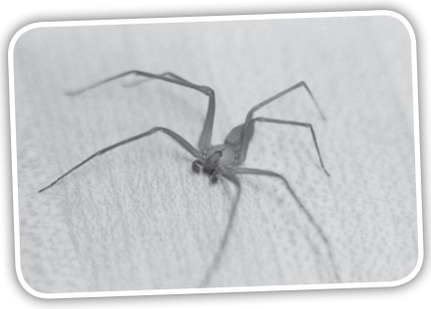

ووهان: در دنیای حشرات به‌خصوص میان بندپایان اینکه عیال سر جفتش را در لحظه‌ای سرنوشت‌ساز قلوه‌کن کند و آن‌را بخورد، اصلا چیز غریبی نیست و اینگونه از تولید مثل میان بندپایان بسیار رواج دارد، حالا چینی‌ها عنکبوتی را کشف کرده‌اند که با وجود اینکه جزو بندپایان است اما یاد گرفته چگونه از مهلکه فرار کند آن هم شتابی برابر ۲۰۰متر بر مجذور ثانیه(سرعتی ۲۰برابر شتابی که هنگام سقوط آزاد تجربه می‌شود). به‌گزارش یورونیوز، این سرعت سرسام‌آور و فرار از عنکبوت ماده بی‌اعصاب به این علت است عنکبوت‌هایی که به‌دست دانشمندان مجبور به ماندن شدند در کسری از ثانیه سرشان را به باد دادند و توسط نوع ماده خورده شدند. شیچانگ ژانگ، نویسنده اصلی این مقاله از دانشگاه هوبی در ووهان چین درباره این عنکبوت‌های بزن و در رو می گوید: عنکبوت‌های ماده شایستگی جنسی عنکبوت‌های نر را براساس توانایی آنها برای فرار قضاوت می‌کردند. او گفت: «یک عنکبوت نر از طریق منجنیق شدن می‌تواند از کانیبالیسم جنسی ماده فرار کند و یک عنکبوت ماده هم می‌تواند جفت نری را با کیفیت بالا انتخاب کند، زیرا عملکرد جنبشی ممکن است مستقیماً با وضعیت جسمانی جفت نر ارتباط داشته باشد.»

گرسنگی و پرخوری، الیورها و بامبل‌ها

نگاه

مهدیا گل‌محمدی
روزنامه‌نگار

امروز بیست و هفتم آوریل روز پیشگیری از هدررفت غذاست. به همین مناسبت می‌توانیم نیم‌نگاهی به دور و بر ۲۰۰سال پیش و اکنون بیندازیم.
اوایل قرن نوزدهم و هنگامی که رمان مشهور الیور توئیست اثر ماندگار چارلز دیکنز ابتدا به‌صورت پاورقی در یک ماهنامه انگلیسی منتشر می‌شد، هیچ‌کس تصورش را هم نمی‌کرد که این شخصیت داستانی روزی نماد معضل گرسنگی جهان شود. در بخشی از این رمان، الیور لاغر و نحیف توسط باقی کودکان یتیم نوانخانه مجبور می‌شود از سرپرست آنجا (آقای بامبل چاق و فربه) درخواست یک کاسه دیگر غذا کند. بامبل از این تقاضا شگفت‌زده و خشمگین می‌شود و مخاطب متوجه می‌شود این درخواست آنقدر ناپذیرفتنی و مستوجب عقوبتی سخت است که در واقع اسباب سرگرمی باقی ایتام آن مرکز است تا به درخواست‌کننده بخندند. چندده صفحه بعد در کتاب، آقای بامبل فربه و چاق کنار باقی قشر مرفه انگلستان در حال خوردن و نوشیدنی هستند که گویی پایانی ندارد.
این از قرن نوزدهم (۱۸۳۷میلادی). نزدیک به ۲۰۰سال بعد همچنان در جهانی زندگی می کنیم که آن میز اسراف غذاها توسط آقای بامبل و باقی اطرافیانش همچنان روی چهار پایه استوار است. به گواهی سازمان تغذیه جهانی وابسته به سازمان ملل (فائو) بیش از یک‌میلیارد گرسنه در حالی در جهان عذاب می کشند که فقط با غذایی که هربار در اروپا و آمریکای شمالی دور ریخته می‌شود می‌توان تا ۳وعده به گرسنه‌های جهان غذا داد. به‌طور متوسط در کشورهای صنعتی ۶۷۰میلیون تن، در کشورهای در حال توسعه ۶۳۰میلیون تن و در کشورهای ثروتمند ۲۲۲میلیون تن مواد غذایی هدر می‌رود. این در حالی است که کل مواد غذایی تولیدی کشورهای واقع در صحرای آفریقا ۲۳۰میلیون تن است. بازگردیم به الیور توئیست. فشار گرسنگی به قدری است که شاید چارلز دیکنز هم دچار حس همذات‌پنداری با الیور جوان شد و نتوانست نماد قشر ضعیف کارگر را در جایگاهش حفظ کند و در پایان رمان با چرخش قلم دیکنز مشخص می‌شود الیور هم در واقع اشراف‌زاده بوده و همانجا قشر کارگر را تنها می‌گذارد. بنابراین نه بامبل باشیم و نه دیکنز. دستی باشیم برای پیشگیری از هدر رفت غذا.

اول آخر

تازه مثل باران، مثل روزنامه/ باران بهاری در همدان ■ عکس: پوریا پاکیزه

انجامش بده

دیدار بدون قرار قبلی

حالا که کرونا تا حد زیادی فروکش کرده و خوشبختانه رونق به سینماها بازگشته، وقت آن است که به جای نشستن پای تلویزیون چند اینچی، فیلم دیدن روی پرده جادویی سینما را از سر بگیریم.
فیلم «بدون قرار قبلی» به کارگردانی بهروز شعیبی و با بازی پگاه آهنگرانی، صابر ابر و مصطفی زمانی که چندماه پیش به‌صورت آنلاین اکران شده بود، قرار است به مناسبت‌ماه آگاهی بخشی اتیسم، روز جمعه ۹اردیبهشت از ساعت ۱۶تا ۲۱در محل مجموعه فرهنگی تالار ایوان شمس بار دیگر برای عموم اکران شود. علاوه بر نمایش فیلم، قرار است پنل تخصصی با حضور عوامل این فیلم و استادان متخصص حوزه خانواده‌های دارای فرزند اتیسم هم برگزار شود. فیلم بدون قرار قبلی روایتی از زندگی هنرمندی است که پس از سال‌ها به کشورش بازمی‌گردد. این اثر در ژانر درام و اجتماعی تولید و فیلمبرداری آن در شهرهای تهران، مشهد و برلین انجام شده است. خلاصه داستان فیلم هم از این قرار است که یاسمین به سن و سال پسر ۶ ساله‌اش بوده که به آلمان (مونیخ) مهاجرت کرده و حالا با مرگ پدر ناچار است پس از ۳۰ سال به ایران بازگردد؛ پسر یاسمن دچار اتیسم است و این سفر را برایش دشوار می‌کند.
این اثر که با نگاهی به داستانی از مصطفی مستور ساخته شده، پس از نمایش در جشنواره فجر ۱۴۰۰توانست نظر اهالی رسانه و منتقدان سینما را به خود جلب و سیمرغ زرین بهترین فیلم از نگاه ملی را دریافت کند. دیدن این فیلم به‌ویژه برای خانواده‌هایی که با بیماری اتیسم درگیرند، خالی از لطف نیست.

فرهنگ و زندگی

طبیبِ مسیحادم

حمیدرضا محمدی

کم پیدا می‌شود کسی در عرصه تخصصی خود، در اعلی درجه باشد اما با دانشجویان در نهایت خضوع و خشوع رفتار کند. در جمع جوانان حاضر شود و با آنان گپ‌وگفت کند. با رسانه‌ها گفت‌وگو کند و خود را در منظر عموم جامعه قرار دهد. اگر برای سخنرانی دعوت شود، با رویی خوش بپذیرد و استقبال کند. و در کهولت، از تولید علم و نگارش مقاله برکنار نماند.
این همه در «مسلم بهادری» جمع بود؛ یکی از کهنسالان ترین اطبای روزگار ما و از آخرین بازماندگان یکی‌دو نسل نخستین فارغ‌التحصیلان دانشکده طب دانشگاه تهران که نخستین‌روز اردیبهشت درگذشت، درحالی که نخستین‌روز بهمن سال گذشته، ۹۵ساله شده بود. پزشکی که در رشته خود (پاتولوژی قلب و ریه) یکی از حاذق‌ترین‌های زمانه‌اش بود، بیش از ۳۰سال معلمی کرد و البته بسیار بیش از آن، شاید قریب به ۷دهه، خود را وقف درمان‌گری دردمندان کرد.
او آزمایشگاه تخصصی آسیب‌شناسی را در بیمارستان سینا و دانشکده پزشکی دانشگاه تهران راه انداخت و آن‌را در بیمارستان‌ها و دانشگاه‌های علوم‌پزشکی کشور گسترش داد و خدمتی کرد فراموش‌نشدنی. همچنین در دهه ۵۰، عضو اتاق فکری بود که به ایجاد خانه‌های بهداشت و شکل‌گیری شبکه گسترده بهداشت و درمان در سال‌های پس از انقلاب منجر شد و این خدمت او و دوستانش، در همگانی‌شدن درمان و یکسان و رایگان‌بودنش، به‌ویژه در مناطق روستایی و عشایری تا همیشه بر پیشانی تاریخ طب این سرزمین خواهد درخشید چنان که خود اعتقاد داشت در دنیا منحصربه‌فرد بود. اگر رنجوری نزدش می‌آمد و دستش تنگ بود، با گشاده‌دستی درمانش می‌کرد. طبیبی بود که مطبش، محملی برای طبابت بود نه کارها و چیزهای دیگر البته به انتفاع عمومی و خیر جمعی بسیار توجه داشت و در این میان همشهریانش را نیز از یاد نبرد چنان که ۴سال پیش، ۱۷هزار متر زمین وقف کرد تا صرف بهداشت و درمان اهالی تنکابن شود. تا آخرین سال زندگی - دست‌کم تا تیر ۱۴۰۰ که نگارنده با او گفت‌وگو کرد - سرحال و سرزنده بود و حافظه‌اش درست و دقیق. تا آخر، انجمن فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموختگان دانشگاه علوم پزشکی تهران را که خود پایه گذاشته بود و بنیادی که خود و به‌نام خود بنا نهاده بود، مدیریت کرد. مسلم بهادری از هیچ کوششی برای مردم سرزمینش فروگذار نکرد تا از رنج‌شان بکاهد و بر لبان‌شان لبخند بنشاند.

قصه شهر

جابه‌جایی بی‌تلفات

فاطمه عباسی

امروز با عنوان روز «ایمنی در حمل‌ونقل» نامگذاری شده و این در حالی است که آمار تصادفات به‌ویژه در جاده‌ها هر سال بیشتر می‌شود، ایربگ‌ها باز نمی‌شود، راننده‌ها سبقت غیرمجاز می‌گیرند، خودروها با کوچک‌ترین برخوردی مچاله می‌شوند و حوادث رانندگی تیتر رسانه‌هاست. البته قرار است ۷اردیبهشت روزی باشد برای ایمنی راه‌ها و کاهش این تصادفات و به همین دلیل هم مسئولان از چند روز قبل به رانندگان هشدار می‌دهند که در رانندگی دقت کنند چراکه اصلی‌ترین عامل تصادفات عامل انسانی است. با این همه اما نمی‌توان نقش راه و خودرو را در تصادفات نادیده گرفت که عوامل بعدی حوادث جاده‌ای هستند. رئیس پلیس راهور ناجا در این‌باره گفته: برای هر انسانی احتمال ارتکاب خطا در رانندگی وجود دارد ولی نباید با این آمار کشته یا مصدوم مواجه باشیم. درصورتی که خودرو ایمنی کامل داشته باشد و راه هم دارای استانداردهای ایمنی باشد، راننده باید بتواند در ابتدا از خطا و وقوع حادثه جلوگیری کند و درصورت وقوع حادثه کمترین آسیب به راننده و سرنشینان وارد شود. یکی از علت‌های رواج‌نیافتن این نگاه در کشور ما، مقاومت خودروسازان برای اصلاح و ایمن‌سازی تولیدات خود است که ادامه این روند تداوم تلفات رانندگی و از بین رفتن سرمایه‌های کشور است.
حالا که کم‌کم داریم به تابستان و فصل سفررفتن نزدیک می‌شویم و تعطیلات عید فطر را هم پیش رو داریم، با اینکه قرار است کمیته فرهنگی جمعیت طرفداران ایمنی راه‌ها به‌منظور کاهش رفتار پرخطر ترافیکی، آموزش‌هایی را برای رانندگان داشته باشند، اما بهتر است مسئولان علاوه بر هشدار و توصیه، برای ایمنی راه‌ها و خودروها هم برنامه‌ریزی کنند تا رانندگان با خیالی آسوده‌تر راهی سفر شوند و آمار تصادفات هم کمتر شود و حمل‌ونقل و جابه‌جایی‌ها در کشور بی‌تلفات باشد.

پوسترسازان خاطره‌ساز

روزهایی هستند در سال که آدم‌های خاص دارد؛ کسانی که شهره‌اند و چهره؛ کسانی که شناسنامه آن روز هستند. روز جهانی گرافیک(هفتم اردیبهشت) هم از آن روزهاست که در ایران، برجستگانی، بزرگانی، پیشکسوتانی شناسه‌اش هستند و شناسنامه‌اش. زبدگان و خبرگانی چون مرتضی ممیز، صادق بریرانی، قباد شیوا، فرشید مثقالی و بهزاد حاتم. بعضی‌شان از کف رفته‌اند و برخی‌شان هنوز هستند و نقش و طرح می‌زنند. آنان اما همه در چیزی وجه اتصال و اشتراک دارند و آن، آفرینش پوستر است. همه‌شان دهه‌ها با آثاری که پدید آوردند، برایمان خاطره ساختند و حال تعدادی‌شان در نمایشگاهی به نمایش گذاشته خواهد شد. «اعلان‌آرت» مجموعه‌ای از پوسترهای قدیمی ایران و جهان است که هر کدام به‌نوعی در حافظه جمعی ما به یادگار مانده‌اند. برخی با رویکرد اجتماعی خود و برخی در نقش رسانه‌ای مردمی، در خیابان‌های شهر به اعتراض، اطلاع‌رسانی و یا آگاهی‌بخشی پرداخته‌اند. با وجود از دست رفتن جایگاه پوستر در خیابان‌های شهر، پوستر همچنان به جهت نقشش در حفظ و نگهداری و آرشیو اطلاعات رویدادهای مختلف در طول تاریخ از اهمیت بالایی برخوردار است. هرچند پوسترها با گذشت زمان، کارکرد خود را به‌عنوان مدیوم تبلیغاتی زمان خود از دست می‌دهند، اما همچنان نگاه زیبایی‌شناسانه هنرمندان دوره خود را همراه با اطلاعاتی از رویدادهای زمانه دربردارند. این موضوع نگهداری و حفظ این پوسترها را ارزشمند و دسترسی به این اطلاعات را برای محققان و پژوهشگران فرهنگی، هنری، سیاسی و اجتماعی ساده‌تر و امکان‌پذیرتر می‌کند. حالا که ۶۰سال از تولید پوسترهایی چون نمایش آنتیگون(ممیز)، اپرای لاتراویاتا(حاتم)، فیلم شازده احتجاب(مثقالی)، رسیتال آواز ردنتو کوماکیو(بریرانی) و نمایش شهر قصه(شیوا) می‌گذرد، گروهی از علاقه‌مندان این رشته اقدام به بازتولید این آثار با روش سیلک‌اسکرین کرده و در قالب نمایشگاهی با حضور خالقان آثار از آن رونمایی می‌کنند. این نمایشگاه همزمان با هفته گرافیک از امروز(چهارشنبه، هفتم اردیبهشت) در گالری هدایت برپا می‌شود و به‌مدت یک هفته دایر خواهد بود.

رمضان

ادعُونی أَستَجِبْ لَکُم
دعای روز بیست و پنجم ماه مبارک رمضان

بسم‌الله الرحمن الرحیم
اللهمّ اجْعَلْنی فیهِ محبّاً لأوْلیائک و مُعادیاً لأعْدائک مُسْتَنّاً بِسُنّه خاتَمِ انْبیائک یا عاصِمَ قُلوبِ النّبیین.

به نام خداوند بخشنده مهربان
خدایا قرار بده مرا در این روز دوستانت و دشمن دشمنانت و پیرو راه و روش خاتم پیغمبرانت، ای نگهدار دل‌های پیامبران.

چهارشنبه

باشگاه نویسندگان

کمک آداب دارد

سید محمدرضا واحدی
کارشناس فرهنگی

تازگی‌ها در صفحات مجازی زیاد دیده می‌شود که افرادی شماره‌حساب‌های شخصی خود را اعلام می‌کنند و از مردم می‌خواهند برای کمک به بی‌بضاعت‌ها یا کمک به آزادی زندانیان یا تهیه افطاری و اطعام نیازمندان یا خرید لوازم‌التحریر برای کودکان مستمند و... به آن حساب‌های شخصی پول واریز کنند.
در اینکه کمک به همنوعان و تلاش برای دستگیری از مستمندان و بی‌بضاعت‌ها امری پسندیده و اخلاقی و برخاسته از حس انسان‌دوستی است، شکی نیست و بدون تردید مورد سفارش اکید اسلام عزیز هم قرار گرفته است اما قرار نیست به‌خاطر فضیلت این کار انسانی، هر کس برای خودش یک خیریه بزند و شماره حساب اعلام کند تا کمک مالی دیگران را جمع کند و به فقرا برساند.
حالا گاهی می‌شود کسی در اطراف خود فقیر و مستمندی می‌شناسد که طبیعتاً باید به هر طریقی که می‌تواند به او کمک کند؛ حال چه از خودش مایه بگذارد و چه از دوستان و آشنایانش کمکی جمع کند اما اینکه هر کسی راه بیفتد و برای کمک به مردم فلان منطقه یا فلان قشر یا فلان بیماری پول جمع کند، شاید به حسب ظاهر کار نیکی باشد اما نتیجه‌اش آنچنان رضایت‌بخش نیست و به اتلاف منابع و کمک‌های مردم منجر می‌شود.
البته این سخن بیشتر ناظر به ناهماهنگی و دوباره‌کاری در روند کارهاست، نه بی‌اعتمادی به افراد. ما در کشورمان این همه سازمان و ستاد رسمی با شماره‌حساب‌های مشخص داریم که موضوع فعالیتشان همین است. شاید عده‌ای بگویند که سازمان‌های رسمی و حاکمیتی نمی‌توانند کمک‌های ما را به‌دست مستمندان و مستحقان واقعی برسانند. سؤال این است که چطور می‌شود به سازمان‌های متولی و رسمی کشور اعتماد نکرد اما به افرادی که هیچ تخصصی در این زمینه ندارند اعتماد کرد. با اطمینان می‌گویم نتیجه اعتماد به سازمان‌های رسمی حتی اگر تلاش‌شان و تقسیم هدایای مردمی چندان مورد تأیید ما نباشد، ضررش کمتر از این رفتارهای هیجانی و دخالت آدم‌ها و خیریه‌های خلق‌الساعه است.
چندی پیش سیمای خودمان نشان می‌داد که آدم‌ها و گروه‌های مردمی مختلفی برای فقرای حاشیه شهر غذای نذری می‌بردند و طبیعتاً به هر خانه به‌طور متعدد و مکرر غذا می‌رسید. آخر کار صدای یکی از خانم‌های کمک‌بگیر درآمد که کاش به جای این همه غذا، جیره خشک می‌دادید که هم خراب نشود و هم موقع نیازمان استفاده کنیم.
این معضل در بحران‌های اجتماعی مثل زلزله و سیل و نظایر آن خود را بیشتر نشان می‌دهد. واقعاً قرار نیست در این موارد هر کسی که دلش به حال بحران‌زده‌ها سوخت، راساً وارد شود و برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی راه بیفتد و شماره کارت شخصی خود یا مؤسسه خودش را بدهد. گاهی می‌بینیم در روزهای بحرانی مثل وقوع زلزله یا سیل یا حتی برای آزادی زندانیان و جمع‌آوری کمک برای بی‌بضاعت‌ها، عده‌ای که شهرت و طرفدارانی دارند، از احساسات مردم استفاده می‌کنند و شماره‌حساب شخصی می‌دهند تا مردم کمک‌هایشان را به آن واریز کنند.
البته و با وجود احتمال سوءاستفاده‌های مالی، سیاسی و تبلیغاتی، باز هم بنا نداریم به افراد بی‌اعتماد باشیم و ذهنیت منفی در موردشان داشته باشیم، اما قبول کنیم که دوباره‌کاری و اقدامات موازی، تهیه کالاهای غیرضروری و اسراف از پیامدهای جمع‌آوری خودسرانه کمک‌های مردمی است؛ چه آنکه هر کس از روی طبع خویش طبابت می‌کند؛ یکی می‌خواهد مسواک و اقلام بهداشتی ببرد و دیگری لباس زیر و یکی دیگر ماکارونی و دیگری کفش و پالتو؛ یکی شکلات و نوشابه انرژی‌زا و دیگری بخاری برقی یا نفتی و آن یکی چادر و پتو. درحالی که شاید اینها نیاز ضروری مناطق آسیب‌دیده یا فقرای فلان منطقه نباشد و سازمان‌های رسمی با سازوکاری که دارند بهتر به نیازها اشراف دارند و نحوه توزیع‌شان هم منظم‌تر است.
علاوه بر آن فراموش نکنیم که در ماجرای زلزله کرمانشاه، معاون وزیر کشور و رئیس سازمان مدیریت بحران کشور با بیان اینکه هنوز اطلاعی از پول‌های جمع‌آوری شده از سوی سلبریتی‌ها برای زلزله‌زدگان کرمانشاه نداریم، گفت: برخی از این افراد مقدار مبالغی را که جمع‌آوری کردند، حتی اعلام هم نکردند و گفته می‌شود برخی از آنها بدهکار بانکی بودند و بانک این مبالغ را برداشت کرده است.
بنابراین به‌نظر می‌رسد که با توجه به ضرورت سازماندهی و هماهنگی کلان، لازم است کمک‌های نقدی و غیرنقدی مردم با اعلام مبادی رسمی مربوطه به سمت و سوی آنان هدایت شود تا حتی اگر موضوع سوءاستفاده احتمالی را هم ندیده بگیریم، دچار اتلاف و اسراف منابع و هدر رفتن کمک‌های مردمی نشویم.

فراخوان

بی تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می بینید. ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح تان که آماده شد یک تماس با شماره ۲۳۰۲۳۶۳۶ بگیرید تا برای رساندنش به ما، راهنمایی تان کنیم.